

فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام در منابع اهل سنت

علی جباری *

مقدمه

اهل سنت مشترکات فراوانی با شیعیان دارند و این اشتراکات، افزون بر مسائل اعتقادی، در روایات تاریخی، از جمله درباره شخصیت و سیره امام علی علیه السلام نیز دیده می شود. از این رو، کنکاش در منابع معتبر اهل سنت و استخراج و اظهار آنچه در این منابع درباره امام اول شیعیان ثبت و ضبط شده، گامی مهم و مؤثر در تحکیم وحدت امت اسلام محسوب می شود. این تلاش علمی، همچنین می تواند پرده از برخی ابهامات - که به دلیل بی توجهی به منابع دست اول اهل سنت برای برخی ایجاد شده و می شود - بردارد و مقام و منزلتی را که علی بن ابی طالب در نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اصحاب آن حضرت داشت، آشکار سازد. بنابر این، آنچه که در این نوشتار می خوانیم، مطالبی در توصیف امام علی علیه السلام است که جملگی از منابع اهل سنت گرفته شده و در چند محور تقدیم می شود.

۱. مولود کعبه

نام پدر امام علی علیه السلام ابوطالب است که او را عبد مناف هم می خواندند. مادرش، فاطمه بنت اسد، اولین زن هاشمی است که فرزندی هاشمی به دنیا آورد.^۱ علی بن ابی طالب علیه السلام در روز سیزدهم رجب^۲ سال ۳۰ عام الفیل^۳ در خانه خدا، یعنی کعبه

* کارشناس ارشد تاریخ تشیع و پژوهشگر تاریخ مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.

۱. محمد بن جریر طبری؛ تاریخ طبری؛ ج ۵، ص ۱۵۳.

۲. داود بن محمد بناکتی؛ تاریخ بناکتی؛ ص ۹۸.

۳. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۱، ص ۱۷۱.

متولد شد.^۱

۴. علی علیه السلام در قرآن

در کتاب‌های اهل سنت، چندین آیه از قرآن کریم در شأن اهل بیت - عموماً - یا شأن امام علی علیه السلام - خصوصاً - دانسته شده است که در اینجا به چند نمونه اشاره می‌شود:

الف. آیه «تطهیر»

خداوند در آیه ۳۳ سوره احزاب می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» خداوند مسلماً می‌خواهد که پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را به طور کامل پاک کند.

برخی نویسندگان اهل سنت، این آیه را در باره اهل کساء، یعنی محمد ﷺ، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام دانسته‌اند که همان خاندان نبوت‌اند.^۱ ابن اثیر جزری در کتاب «اسد الغابة» می‌گوید:

پس از نزول آیه تطهیر، پیامبر اکرم ﷺ که در خانه ام سلمه بود، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسنین علیهما السلام را نزد خود خواند و عباي خود را روی آنها کشید و فرمود: «هؤُلاءِ أَهْلُ بَيْتِي، فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا». ام سلمه سؤال کرد: «یا رسول الله! آیا من هم با آنها هستم؟» حضرت فرمود: «در مکان خودت بنشین؛ تو بر خیر هستی».^۲

ب. آیه «هل أتی»

در آیه ۸ سوره انسان آمده است: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» و طعام را درحالی که خود دوستش (نیاز) دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می‌خورانند. در شأن نزول این آیه، آمده است که حسن علیه السلام و حسین علیه السلام بیمار شدند و امام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام نذر کردند که اگر حسنین علیهما السلام بهبود یابند، سه روز روزه بگیرند. پس از بهبودی آن دو، همه با هم روزه گرفتند، اما در هر سه روز، غذای خویش را هنگام افطار به نیازمندیانی بخشیدند که از آنها کمک خواستند.^۳

ج. آیه «مودّت»

آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ

۱. محمد بن یوسف گنجی شافعی؛ کفایة الطالب؛ ص ۵۴.

۲. ابن اثیر جزری؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابة؛ ج ۱، ص ۴۹۰.

۳. عبیدالله بن عبدالله حسکانی؛ شواهد التنزیل؛ ج ۲، ص ۳۹۴.

يَقْتَرِفُ حَسَنَةً نَّزِدَ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ. بگو بر این رسالت مزدی از شما نمی‌خواهم، جز دوست داشتن خویشاوندان! و هر کس کار نیکی کند، به نیکویی‌اش می‌افزاییم؛ زیرا خدا آمرزنده و شکرپذیر است».^۱

د. آیه «مباهله»

در آیه ۶۱ سوره آل عمران می‌خوانیم: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ: بگو بیایید تا فراخوانیم؛ ما فرزندان خود را و شما فرزندان خود را؛ ما زنان خود را و شما زنان خود را؛ ما خود را و شما خود را؛ آنگاه دعا و تضرع کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان بفرستیم». با اینکه برخی از نویسندگان اهل سنت تلاش کردند که معنا و منظور برخی از آیات مرتبط با فضایل اهل بیت علیهم‌السلام را توسعه دهند تا دیگرانی را هم در این فضایل شریک کنند، اما در خصوص آیه مباهله هیچ نویسنده‌ای نتوانسته در آن تصرف کرد و افراد دیگری را به اهل بیت علیهم‌السلام بیفزاید و همه معترف‌اند که در جریان این واقعه، تنها رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی علیه‌السلام به عنوان «انفسنا»، امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام به عنوان «ابناءنا» و فاطمه زهرا علیها‌السلام به عنوان «نساءنا»، در مباهله شرکت داشته‌اند. حتی واژه «نساءنا»، گرچه می‌توانست مستمسک برخی زنان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار گیرد، اما چنین نشده و همه نویسندگان شناخته‌شده اهل سنت معتقدند که مراد از این واژه، در این آیه تنها فاطمه زهرا علیها‌السلام است.^۲

ه. علی (ع) در احادیث

الف. حدیث «غدیر»

با نزول آیه ۶۷ سوره مائده در آخرین روزهای حیات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، آن حضرت مأموریت یافت تا پیام مهمی را به مردم ابلاغ کند: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ: ای پیامبر! آنچه را از سوی پروردگارت به تو نازل شده است، اعلام کن». ابلاغ این پیام مهم در آخرین حج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یعنی «حجة الوداع» و در روز هجدهم ذی‌الحجه انجام شد. وقتی حاجیان در مسیر برگشت، به منطقه غدیر خم رسیدند،

۱. محمد بن اسماعیل البخاری؛ صحیح البخاری؛ ج ۶، ص ۵۰۲.

۲. شمس‌الدین محمد ذهبی؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام؛ ج ۳، ص ۶۲۷.

۳. ابن صباغ مالکی؛ پیشین، ص ۲۴۵.

پیامبر ﷺ دستور داد کاروان‌ها توقف کنند.^۱ حضرت پس از حمد و ثنای الهی و بیان سخنانی، از مردم سؤال کرد که ای مردم! چه کسی سرپرست و مولای شماست؟ پس از آنکه مردم پاسخ دادند «خدا و رسولش»، پیامبر اکرم ﷺ درحالی که روی منبری از جهاز شتران ایستاده بود، دست علی علیه السلام را بالا گرفت^۲ و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ، اَللّٰهُمَّ وَاِلَیْكَ مَرْجِعُ الْعَادَةِ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاكَ»^۳ هرکس من مولای او هستم، پس، علی مولای اوست. خدایا! دوستدار او را دوست بدار و دشمن او را دشمن بدار». بعد از این سخنان و اعلام جانشینی علی علیه السلام، حاضران در غدیر برای تبریک به نزد علی علیه السلام رفتند و عمر و ابو بکر از اولین کسانی بودند که این مقام را به او تبریک گفتند.^۴

این ماجرا در تاریخ اسلام، چنان برجسته و غیر قابل انکار است که امام علی علیه السلام بعدها، گاهی برای اثبات حقانیت خویش، به آن استناد کرده است؛ از جمله در رجبه کوفه که از مردم سؤال کرد: چه کسی در روز غدیر شاهد فرمایش پیامبر ﷺ در باره خلافت و جانشینی او بوده است؟ و آنگاه، سیزده نفر از صحابه برخاستند و شهادت دادند که رسول خدا ﷺ در روز غدیر فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ»^۵.

ب. حدیث «منزلت»

امام علی علیه السلام در همه جنگ‌ها همراه پیامبر ﷺ بود؛ غیر از جنگ تبوک که پیامبر او را جانشین خود در مدینه قرار داد. وقتی حضرت از ایشان سؤال کرد که چرا در این جنگ همراه شما نباشم؟ پیامبر ﷺ فرمود: «اَلَا تَرٰى اَنْ تَكُوْنَ مِّنِّيْ بِمَنْزِلَةِ هَارُوْنَ مِّنْ مُّوْسٰی اِلَّا اَنْهُ لَا نَبِیَّ بَعْدِیْ»^۶ آیا راضی نمی‌شوی که تو برای من به منزله هارون باشی برای موسی؟ جز اینکه بعد از من، پیامبری نخواهد بود».

ج. حدیث «مواخات»

پس از هجرت پیامبر اکرم ﷺ از مکه، علی علیه السلام سه روز در آنجا ماند تا امانت‌های

۱. همان؛ ص ۲۳۷.

۲. همان، ص ۲۴۰.

۳. محمد بن عیسی الترمذی؛ سنن الترمذی؛ ج ۶، ص ۷۸.

۴. ابن اثیر جزری؛ پیشین، ج ۳، ص ۶۰۵.

۵. ابوالفرج ابن الجوزی؛ پیشین، ج ۱، ص ۱۶۵.

۶. مسلم بن حجاج نیشابوری؛ صحیح مسلم؛ ج ۴، ص ۱۴۸۹.

مردم را که نزد رسول خدا ﷺ بود، به صاحبانشان بازگرداند و سپس به مدینه برود.^۱ علی علیه السلام بعد از ورود به مدینه، وقتی دانست که پیامبر ﷺ بین مهاجران و انصار، پیمان برادری برقرار کرده بود، از آن حضرت پرسید: چرا برای من برادری انتخاب نکردید؟ و پاسخ شنید که «أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: تو در دنیا و آخرت برادر من هستی». بدین ترتیب، پیامبر ﷺ، علی علیه السلام را به عنوان برادر خویش انتخاب کرد.

د. حدیث «رایت»

در جریان فتح قلعه خیبر، رسول خدا ﷺ پس از ناکامی برخی از اصحاب در کسب پیروزی، فرمود: «لَأُعْطِيَنَّ الرَّايَةَ عَدَاً رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، لَيْسَ بِفَرَّارٍ، يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ»^۲ فردا پرچم را به دست کسی خواهم داد که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند. او از جنگ فرار نمی‌کند و خدا به دست او پیروزی را نصیب ما خواهد کرد». پس از این سخن پیامبر ﷺ، همه آرزو داشتند که پرچم به آن‌ها برسد، اما در روز موعود، پیامبر ﷺ پرچم را به علی علیه السلام واگذار کرد.^۴

هـ. حدیث «نجوا»

عده‌ای از اصحاب بیش از اندازه با پیغمبر ﷺ خلوت و گفت‌وگو می‌کردند و باعث آزار ایشان می‌شد. پیامبر هم از اینکه به آن‌ها تذکر دهد، حیا می‌کرد. پس از مدتی، با نزول آیه ۵ سوره مجادله (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً)، مقرر شد که هرکس بخواهد با پیامبر ﷺ نجوا کند، ابتدا مقداری صدقه بدهد و بدین ترتیب، اطراف حضرت خلوت شد. در این مدت، تنها علی علیه السلام بود که با پرداخت صدقه، با پیامبر خدا ﷺ صحبت می‌کرد. البته بعد از مدتی، این حکم نسخ شد.^۵

۱. احمد بن یحیی بلاذری؛ *انساب الاشراف*؛ ج ۲، ص ۹۱.

۲. احمد بن محمد بن حنبل؛ *فضائل الصحابة*؛ ص ۲۴۴.

۳. محمد بن اسماعیل البخاری؛ *صحیح البخاری*؛ ج ۳، ص ۷۹.

۴. ابن اثیر جزری؛ *پیشین*، ج ۳، ص ۵۹۵.

۵. محمد بن عیسی الترمذی؛ *پیشین*، ص ۷۸.

و. حدیث «سدّ ابواب»

پیامبر ﷺ دستور داد همه درهایی که به مسجد باز می‌شدند، بسته شوند، ولی در خانه علی علیه السلام را استثنا کرد^۱ و در پاسخ به اعتراض برخی از یارانش، فرمود: «در خانه علی علیه السلام را من باز نکردم؛ بلکه خدا باز کرد».^۲

ز. حدیث «کساء»

در یکی از روزهایی که پیامبر ﷺ در خانه ام سلمه بود، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را فراخواند و آن‌ها را زیر عبایی جمع کرد و فرمود: «اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي. اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً» و در جواب ام سلمه که می‌خواست بداند آیا او هم جزء اهل بیت پیامبر هست یا نه، فرمود: «إِنَّكَ إِلَيَّ خَيْرٌ».^۳

بلاذری در «انساب الاشراف» آورده است که از زید بن علی بن حسین علیه السلام سؤال شد، علی علیه السلام افضل است یا جعفر؟ زید گفت: «جعفر، ذوالجناحین است (در بهشت دو بال دارد) و از نظر چهره و اخلاق، شبیه‌ترین مردم به پیامبر ﷺ است، اما از اصحاب کساء نیست».^۴

۶. مناقب و ویژگی‌ها

ویژگی‌ها و مناقب علی علیه السلام که در منابع اهل سنت آمده، بسیار زیاد است و در اینجا تنها به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود:

الف. زهد و تقوا

عمار روایت کرده است که شنیدم پیامبر ﷺ به علی علیه السلام فرمود: «ای علی! خدا تو را با چیزی زینت کرده که هیچ بنده‌ای را با زینتی محبوب‌تر از آن، زینت نداده و آن، زهد در دنیا است».

علی علیه السلام با اینکه می‌توانست با درآمد نخلستان‌هایی که ایجاد کرده، زندگی مرفه‌ای

۱. احمد بن شعیب نسائی؛ پیشین، ص ۵۶.

۲. اسماعیل بن عمر دمشقی؛ البدایة و النهایة؛ ج ۷، ص ۳۴۳.

۳. ابن اثیر جزری؛ پیشین، ص ۶۰۷.

۴. احمد بن یحیی بلاذری؛ پیشین، ج ۲، ص ۱۵۰.

داشته باشد، ولی زندگی زاهدانه‌ای را در پیش گرفته بود. محمد بن کعب قرظی روایت می‌کند که شنیدم علی علیه السلام فرمود: «از گرسنگی سنگ بر شکم خود بسته‌ام؛ درحالی که چهل هزار دینار صدقه داده‌ام».^۱

ب. علم امام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باره علم امام علی علیه السلام فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ بَابَهُ».^۲ من، شهر علم هستم و علی، در آن. پس، هرکس بخواهد وارد شهر علم شود، باید از در آن وارد شود.

علی علیه السلام هیچ‌گاه از اینکه از او سؤال کنند، هراس نداشت و بارها از همگان خواسته بود که هرچه می‌خواهند، از او بپرسند. سعید بن مسیب می‌گوید: «غیر از علی بن ابی طالب علیه السلام کسی از مردم "سألونی" (پرسید از من) نمی‌گوید».^۳ ابن عباس هم می‌گوید: «وقتی علی علیه السلام مسئله‌ای را برای ما اثبات می‌کرد، دیگر سراغ کسی نمی‌رفتیم».^۴

آن حضرت، خود درباره وسعت علمش می‌فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به من هزار باب از علم آموخت که از هر بابی، هزار باب دیگر گشوده می‌شود».^۵

ج. قضاوت

علی علیه السلام در قضاوت نیز، سرآمد همگان بود، به‌طوری‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره او فرمود: «أَقْضَاكُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ».^۶ علی بن ابی طالب علیه السلام از همه شما به قضاوت داناتر است».

در این زمینه نیز، خود امام علیه السلام می‌فرماید:

زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواست مرا به‌سوی یمن بفرستد، عرض کردم که مرا به یمن می‌فرستی و آن‌ها از من درخواست قضاوت خواهند کرد و من از قضاوت چیزی

۱. ابن اثیر جزری؛ پیشین، ص ۵۹۹.

۲. همان، ص ۵۹۷.

۳. خلیل بن ایبک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۲۱، ص ۲۷۲.

۴. احمد بن علی عسقلانی؛ الاصابة فی تمییز الصحابة؛ ج ۴، ص ۴۶۷.

۵. محمد بن یوسف زرنندی؛ معارج الوصول؛ ص ۳۹.

۶. یوسف بن عبدالله قرطبی؛ الاستیعاب فی معرفة الاصحاب؛ ج ۳، ص ۱۱۰۱.

نمی دانم. پیامبر ﷺ دستش را بر سینه من گذاشت و دعا کرد؛ «اللَّهُمَّ ثَبِّتْ لِسَانَهُ وَاهْدِ قَلْبَهُ». پس از آن، هیچ گاه در قضاوت شک و تردید نکردم.^۱

د. شجاعت

شجاعت امام علی علیه السلام آن قدر معروف و واضح است که نیازی به توضیح و توصیف ندارد.^۲ او، شجاع ترین مردم بود و همه عرب به آن اقرار داشتند.^۳ دارای بدنی قوی و عضلانی و شکیل بود.^۴ در تمام جنگ های پیامبر ﷺ - غیر از جنگ تبوک که به عنوان جانشین پیامبر ﷺ در مدینه ماند - شرکت داشت و گوشه ای از شجاعت های خود را در این میدان ها به نمایش گذاشت.^۵

جنگ اُحد

در این جنگ، پس از آنکه بسیاری از صحابه از اطراف پیامبر ﷺ پراکنده شدند و از معرکه گریختند، علی علیه السلام مردانه ایستاد و از پیامبر ﷺ دفاع کرد تا آنجا که جبرئیل فرو آمد و کار او را «مواسات» دانست. پیامبر ﷺ نیز فرمود: «علی، از من و من، از علی هستم». جبرئیل عرض کرد: «من هم، از شما هستم یا رسول الله!» در همین جنگ بود که پس از شجاعت ها و فداکاری های علی علیه السلام ندایی از آسمان شنیده شد که می گفت: «لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفِقَارِ لَا فِتْنَى إِلَّا عَلِيٌّ».^۶

جنگ خندق

در این جنگ نیز امام علی علیه السلام شجاعت وصف ناپذیری از خود نشان داد که تضعیف روحیه مشرکان و تقویت روحیه سپاه اسلام را در پی داشت. مسلمانان در این جنگ، برای دفاع از شهر مدینه اقدام به حفر خندق کردند و توانستند مانع پیشروی دشمن شوند، ولی چند نفر از مبارزان بزرگ دشمن از جمله عمرو بن عبدود از خندق عبور

۱. شمس الدین محمد ذهبی؛ پیشین، ص ۶۳۷.

۲. ابن صباغ مالکی؛ پیشین ص ۲۸۱.

۳. احمد بن یحیی بلاذری؛ پیشین، ص ۱۲۱.

۴. همان، ص ۱۲۴.

۵. ابن اثیر جزری؛ پیشین، ص ۵۸۸.

۶. محمد بن جریر طبری؛ تاریخ طبری؛ ج ۲، ص ۵۱۴.

۷. علی بن حسن ابن عساکر؛ تاریخ مدینه دمشق؛ ج ۴۲، ص ۷۱.

کردند و در مقابل مسلمانان قرار گرفتند. عمرو سه بار مبارز طلبید و در هر سه بار غیر از علی علیه السلام کسی حاضر به رویارویی با وی نشد و دست آخر با اذن پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل عمرو قرار گرفت. عمرو گفت: من دوست ندارم تو را بکشم، ولی علی علیه السلام فرمود: «به خدا قسم! من دوست دارم که تو را به قتل برسانم». با این سخن، عمرو از اسب خود پیاده شد و وارد مبارزه با علی علیه السلام شد. پس از مدتی، علی علیه السلام ضربت سختی بر عمرو وارد ساخت و او را به هلاکت رساند. کشته شدن عمرو، در دل کسانی که همراه او از خندق عبور کرده بودند، وحشت انداخت و همگی پا به فرار گذاشتند. چنین بود که علی علیه السلام با کشتن قهرمانی چون عمرو، نقش مهمی در پیروزی مسلمانان در جنگ خندق داشت.^۱

جنگ خیبر

در جنگ خیبر، پرچم سپاه اسلام در دست علی علیه السلام بود. وقتی که سپاه به قلعه رسید، یهودیان به سوی علی علیه السلام هجوم آوردند و یکی از آنان توانست با زدن ضربتی، سپر علی علیه السلام را از دستش بیندازد. در این هنگام، علی علیه السلام درب قلعه را از جا کند و آن را سپر خود قرار داد و پیوسته جنگید تا اینکه نبرد با پیروزی مسلمانان به پایان رسید. هنگامی که علی علیه السلام آن در را به زمین انداخت، چندین نفر تلاش کردند که آن را جابه‌جا کنند، اما نتوانستند.^۲ در این جنگ هم، علی علیه السلام با کشتن مَرَحَب، قهرمان بزرگ یهودیان خیبر، نقش اصلی را در پیروزی مسلمانان داشت.^۳

لیلة المبيت

لیلة المبيت همان شبی است که مشرکان مکه تصمیم داشتند از هر تیره‌ای از قبایل عرب، کسی را برای کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله، به خانه او بفرستند تا هر یک ضربتی به آن حضرت وارد آورند و بدین ترتیب بنی‌هاشم نتوانند به خونخواهی او برخاسته و با همه قبایل درگیر شوند.

جبرئیل خبر این توطئه را به پیامبر صلی الله علیه و آله رساند و بنا شد کسی به جای آن حضرت در بسترش بخوابد تا او مکه را به سوی مدینه ترک کند. آن شب، علی علیه السلام در بستر

۱. ابن صباغ مالکی؛ پیشین، ص ۳۳۸ - ۳۴۷.

۲. شمس‌الدین محمد ذهبی؛ پیشین، ص ۶۲۶.

۳. اسماعیل بن عمر دمشقی؛ پیشین، ص ۲۲۴.

حضرت خوایید و مشرکان متوجه خروج پیامبر نشدند و زمانی که به خانه یورش بردند، با علی علیه السلام روبه‌رو شدند. آیه ۲۰۷ سوره مبارکه بقره، در بزرگداشت این واقعه و شأن امام علی علیه السلام نازل شده است و می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» و از میان مردم کسی است که جان خود را برای خشنودی خداوند می‌فروشد.^۱

علی علیه السلام ضمناً متعهد شد که امانت‌های مردم را که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود، به صاحبانشان بازگرداند و همراه فواطم (فاطمه بنت رسول‌الله، فاطمه بنت اسد و فاطمه بنت زبیر)، در مدینه به پیامبر صلی الله علیه و آله ملحق شود.^۲

۷. شهادت

امام علی علیه السلام، در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان سال چهل هجری، هنگامی که مشغول خواندن نماز صبح بود، با ضربت شمشیر زهرآلود عبدالرحمن بن ملجم مرادی زخمی شد^۳ و در بیست‌ویکم رمضان^۴ در سن ۶۳ سالگی^۵ به شهادت رسید. حسنین علیهما السلام و عبدالله بن جعفر، او را غسل دادند و امام حسن علیه السلام بر پیکر پدرش نماز خواند.^۶ پیکر امام علی علیه السلام شبانه تشییع و به‌صورت مخفیانه^۷ در نجف^۸ دفن شد.

۱. احمد بن علی عسقلانی؛ پیشین، ج ۴، ص ۴۶۷.
۲. ابن صباغ مالکی؛ پیشین، ص ۲۸۸ و ۲۸۹.
۳. محمد بن جریر طبری؛ پیشین، ج ۵، ص ۱۴۵.
۴. اسماعیل بن عمر دمشقی؛ پیشین، ص ۳۳۰.
۵. یوسف بن عبدالله قرطبی؛ پیشین، ص ۱۰۹۴.
۶. احمد بن یحیی بلاذری؛ پیشین، ص ۴۹۶.
۷. شمس الدین محمد ذهبی؛ پیشین، ص ۶۵۰ و ۶۵۱.
۸. اسماعیل بن علی ابوالفداء؛ تاریخ ابی‌الفداء؛ ج ۱، ص ۲۵۲.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر جزری، عزالدین؛ *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*؛ بیروت: دارالفکر، طبع الأولى، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن جوزی، أبو الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد؛ *صفة الصفوة*؛ تحقیق عبدالسلام هارون؛ بیروت: مؤسسة الكتب الثقافية، ۱۴۱۳ ق.
۳. _____؛ *المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک*؛ تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا؛ بیروت: دارالکتب العلمية، طبع الأولى، ۱۴۱۲ ق.
۴. ابن حنبل، احمد بن محمد؛ *فضائل الصحابة*؛ تحقیق عباس وصی الله بن محمد؛ قاهره: دار ابن الجوزی، ۱۴۳۰ ق.
۵. ابن خلکان، شمس الدین احمد بن محمد بن ابی بکر؛ *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*؛ تحقیق احسان عباس؛ قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۳۶۴.
۶. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد بن احمد؛ *الفصول المهمة فی معرفة الائمة*؛ تحقیق سامی الغریبی؛ قم: دار الحديث، ۱۴۲۲ ق.
۷. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن بن هبة الله بن عبدالله الشافعی؛ *تاریخ مدينة دمشق*؛ تحقیق علی شیری؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۸. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء الحافظ اسماعیل بن عمر؛ *البدایة و النهایة*؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ ق.
۹. ابن مغازلی، علی بن محمد؛ *منقب أهل البيت علیهم السلام*؛ تهران: المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية، ۱۴۲۷ ق.
۱۰. ابوالفداء، اسماعیل بن علی بن محمود؛ *تاریخ ابی الفداء المسمى المختصر فی اخبار البشر*؛ تحقیق محمود دیوب؛ بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۱۷ ق.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ *صحیح البخاری*؛ تحقیق قاسم الشماعی الرفاعی؛ بیروت: دارالقلم، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر؛ *انساب الأشراف*؛ تحقیق سهیل زکار و ریاض زکرلی؛ بیروت: دارالفکر، طبع الأولى، ۱۴۱۷ ق.
۱۳. بناکتی، داود بن محمد؛ *تاریخ بناکتی روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب*؛ به کوشش جعفر شعار؛ تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸.

١٤. ترمذی، محمد بن عیسیٰ؛ سنن الترمذی؛ تحقیق صدقی محمد جمیل العطار؛ بیروت: دارالفکر، ١٤٢١ ق.
١٥. حاکم حسکانی؛ عیبدالله بن عبدالله؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل؛ تحقیق محمد باقر المحمودی؛ طهران: مؤسسة الطبع و النشر، ١٤١١ ق.
١٦. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود؛ الأخبار الطوال؛ تحقیق عبدالمنعم عامر؛ قم: منشورات الرضی، ١٣٦٨.
١٧. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام؛ تحقیق عمر عبدالسلام تدمری؛ بیروت: دارالکتب العربی، ١٤١٣ ق.
١٨. زرنندی حنفی، جمال الدین محمد بن یوسف؛ معارج الوصول إلى معرفة آل الرسول و البتول؛ تهران: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، [بی تا].
١٩. سبط بن جوزی، یوسف بن قزغلی البغدادی؛ تذکرة الخواص من الامة بذكر خصائص الائمة؛ قم: منشورات الشریف رضی، ١٤١٨ ق.
٢٠. صفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک؛ الوافی بالوفیات؛ بیروت: المعهد الالماني، ١٤٠١ ق.
٢١. صنعانی، عبدالرزاق بن همام؛ المصنف؛ لبنان: دارالکتب العلمیة، ١٤٢١ ق.
٢٢. طبری، أبوجعفر محمد بن جریر؛ تاریخ الأمم و الملوک؛ تحقیق محمد أبوالفضل ابراهیم؛ بیروت: دارالتراث، طبع الثانية، ١٣٨٧ ق.
٢٣. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر؛ الإصابة فی تمييز الصحابة؛ تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، طبع الأولى، ١٤١٥ ق.
٢٤. قرطبی، ابوعمر و یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر؛ الاستیعاب فی معرفة الاصحاب؛ تحقیق بجاوی علی محمد؛ بیروت: دارالجليل، ١٤١٢ ق.
٢٥. قشیری النیشابوری، مسلم بن الحجاج؛ صحیح مسلم؛ بیروت: دار ابن حزم، ١٤١٩ ق.
٢٦. گنجی شافعی، محمد بن یوسف؛ کفاية الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیہ السلام؛ تصحیح محمد هادی الامینی؛ طهران: دار احیاء تراث اهل البيت علیهم السلام، ١٤٠٤ ق.
٢٧. نسائی، احمد بن شعيب؛ السنن الکبری؛ تحقیق عبدالغفار سلیمان البنداری؛ سید کسروی حسن؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤١١ ق.
٢٨. واقدی، محمد بن سعد کاتب؛ الطبقات الکبری؛ تحقیق عبدالقادر عطا؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤١٠ ق.